

خوش بینی و بدبینی در آینه آیات و روایات

حجت الاسلام والمسلمین ناصر قربانی*

مقدمه

خوش گمانی در روابط اجتماعی و مواجهه با اشخاص و کردارشان، در فقه با اصطلاح «اصالة الصِّحَّة» همراه است؛ به این معنی که هر گاه سخنی و یا فعلی را از برادر مسلمان یا خواهر مسلمات مشاهده کردی و احتمال فساد دادی، لازم است که آن احتمال را نادیده بگیری و یک یا چند محمل نیکو برایش قرار دهی. حسن ظن در برابر سوء ظن قرار دارد. سوء ظن از خباثت باطن آدمی ناشی می شود و صاحب آن، مانند کسی است که عینک سیاهی بر چشم هایش گذاشته است و هستی را از نگاه سیاهی می بیند: «وَ ظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا»^۱. چنین فردی، سخنان و کارها حتی سخنان و کارهای خوب را را جز بدی و گناه نمی بیند. در این نوشتار حسن ظن و سوء ظن از منظر آیات و روایات بررسی می شود.

بایستگی پرهیز از بدگمانی

بدگمانی نسبت به مسلمان، از گناهای است که در آیات و روایات از عواقب و پیامدهای آن سخن به میان آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها پرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان ها گناه است». شروع فرمان اجتناب از گناه، با تعبیر «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» حاوی این پیام است که ایمان مشروط به رعایت اموری است که یکی از آنها، دوری از گناه سوء ظن به افراد است. به بیان دیگر کسی ایمان راستین دارد که از گمان بد پرهیزد. بدگمانی، نوعی بیماری فکری و اخلاقی است. فرد

* دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی.

۱. فتح: ۱۲.

۲. حجرات: ۱۲.

بدین، کسی است که برداشت‌های ذهنی خود از دیگران را بر وجه زشت و نادرست حمل کند؛ در حالی که می‌توانست آن را بر وجه شایسته حمل کند.

در مقابل سوءظن، حسن‌ظن و خوش‌گمانی قرار دارد. خوش‌گمانی هم در رشد و تکامل شخص آدمی و هم در وحدت و تکامل مادی و معنوی جامعه نقش بسزایی دارد. این موضوع در روایات پیشوایان دین مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «خوش‌گمانی از برترین سجایای اخلاقی و بهترین عطایاست».^۱ در روایتی نیز آمده است که اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت می‌آمدند و گاهی به حقیقت و گاهی هم به خلاف از یکدیگر بدگویی می‌کردند تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مردم فرمود: «هیچ‌کس درباره یارانم به من چیزی نگوید. دائماً نزد من نیاید و از یکدیگر بدگویی کنید. من مایلم وقتی که میان‌تان می‌آیم، سلیم‌الصدر باشم».^۲ این اخلاق رسول اکرم صلی الله علیه و آله به این مطلب اشاره دارد که مسلمان‌ها باید در جامعه اسلامی، با خوش‌بینی با افراد مواجه شوند.

بنا بر آیات سوره مبارکه نور،^۳ یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ‌ها از قافله عقب افتاده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله که او را به میدان جنگ برده بودند، وقتی که برمی‌گشتند؛ او را ندیدند. مردی از مسلمان‌ها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله را به مدینه آورد. بعد از آنکه این مخدره به مدینه برگشت، بعضی از افراد هرزه‌گو در میان مردم شایعه انداختند که چرا همسر پیامبر صلی الله علیه و آله از قافله عقب ماند و شخصی که او را آورد، چه کسی بود؟ در این هنگام آیات مبارکه سوره نور بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و در چند آیه پی‌درپی، با لحن بسیار تندی مسلمانان را مورد عتاب قرار داد که چرا وقتی این شایعه را شنیدید، نسبت به گوینده آن شدت عمل به خرج ندادید و چرا این شایعه را قاطعانه رد نکردید؟ دو بخش این آیه شریفه با عبارت «لَوْلَا تَحذِيرُهُ» شروع می‌شود. شروع جمله با این عبارت به این معناست که که انسان می‌خواهد با کمال شدت و توبیخ کامل به مخاطب خود بگوید: چرا این کار را نکردید. خداوند در این آیه خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛^۴ چرا وقتی که شما مسلمان‌ها (مؤمنین و مؤمنات) این شایعه را شنیدید، به همدیگر حسن‌ظن نشان ندادید و به طور

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۶۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۱.

۳. نور: ۱۶-۱۱.

۴. نور: ۱۲.

قاطع نگفتید که این دروغ است». در جای دیگری می‌فرماید: «وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ»^۱ چرا وقتی که این شایعه را شنیدید، نگفتید که ما حق نداریم این شایعه را تکرار کنیم. این، يك بهتان بزرگ است».

علت بدگمانی و انواع آن

بدگمانی، از غلبه نیروی خیال بر انسان ناشی می‌شود. شیطان، نیروی خیال انسان را در اختیار می‌گیرد و او را گمراه می‌کند. هر چه انسان در این امر از فریب شیطان اطاعت کند، تسلط شیطان بر او بیشتر می‌شود تا آنجا که نیروی خیال بر اعضای او اثر می‌گذارد و چیزهایی را به خیال خود می‌بیند و می‌شنود که هیچ حقیقت و واقعیتی ندارند.

بدگمانی را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

- **نوع اول**، آن است که شخص به مسلمانی سوءظن دارد و بر مبنای آن ترتیب اثر می‌دهد و آن را در رفتار و یا گفتار خود به صورت غیبت یا تهمت آشکار می‌سازد. این قسم، حرام است.

- **نوع دوم**، آن است که شخص ناخودآگاه گمان بدی نسبت به مسلمانی به ذهنش خطور کند و خود شخص از این حالت ناراحت باشد و این گمان را در رفتار و گفتار خود نشان ندهد؛ بلکه در صدد رفع و دفع آن باشد. این نوع از سوءظن حرام نیست؛ زیرا چنین خطوری برای ذهن غیر اختیاری و نهی از امر غیر اختیاری، قبیح است.^۲

- **نوع سوم**، آن است که شخص نسبت به مسلمانی گمان بدی ببرد و به آن باور داشته باشد و بدون یقین، به بدی او حکم کند و از این حالت ناراحت هم نباشد؛ اما این حالت را در رفتار و گفتار خود بروز ندهد و تنها قلباً از او متنفر باشد. مرحوم مجلسی رحمته الله و شهید ثانی رحمته الله این نوع از بدگمانی را حرام می‌دانند و سوءظن را به همین قسم معنا می‌کنند.^۳ علمای اخلاق نیز این مرحله را غیبت قلبی نامیده‌اند و آن را حرام می‌دانند.^۴

راه‌های دستیابی به حسن ظن

برای دستیابی به حسن ظن راه‌های متعددی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. نور: ۱۶.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۴۵۳.

۳. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۱، ص ۱۶.

۴. محمدرضا مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق اسلامی، ص ۱۶۵.

۱. توکل بر خدا

از آنجا که سوءظن یکی از راه‌های نفوذ شیطان است، در مواردی که انسان مبتلا به سوءظن شود؛ باید به خدای متعال پناه ببرد و با استعاذه و استغفار از او استعانت طلبد و هر عملی را که مشاهده می‌کند و هر سخنی را که از دیگران می‌شنود، باید به بهترین وجه ممکن حمل نماید و در این راه، وهم و خیال خودش را تکذیب نماید و خویش را بر این عادت وادار کند تا به تدریج حسن ظن در قلب او به صورت عادت و ملکه اخلاقی درآید.^۱

۲. شناخت فواید خوش بینی

یکی از روش‌های دستیابی به حسن ظن، توجه به فواید آن است؛ برای مثال امام علی علیه السلام فرموده است: «حُسْنُ الظَّنِّ يَخْفِفُ الهمَّ وَيُنَجِّي مِنَ تَقَلُّدِ الْإِثْمِ؛^۲ خوش بینی، اندوه را می‌کاهد و از افتادن در بند گناه می‌رهاند». از نظر آن حضرت، نیکویی گمان، آسایش دل و سلامتی دین است: «حُسْنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ وَ سَلَامَةُ الدِّينِ؛^۳ خوش بینی، مایه آسایش دل و سلامت دین است». در وصف این فضیلت اخلاقی نیز فرموده است: «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ حَارَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةُ؛^۴ هر که به مردم گمان نیک برد، محبت آنان را به دست آورد». یکی از آثار حسن ظن، حسن نیت است؛ زیرا حسن نیت، جان عمل است؛ از این رو درستی و سلامتی عمل در گرو پاکی و خلوص آن است. اگر نیت ناخالص باشد، عمل نیز به همان اندازه عیب‌ناک و آفت‌زده خواهد شد؛ به همین دلیل خلوص و پاکی نیت، پالایش و پاکی عمل را در پی خواهد داشت. حسن نیت با چنین نتایج نیکویی، یکی از ره‌آوردهای حسن ظن است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «هر کس گمانش نیکو باشد، نیش نیکوست».^۵

۳. شناخت پیامد و عواقب بدبینی

یکی از راه‌های درمان بدگمانی، شناخت پیامدهای این رذیله اخلاقی است که در روایات به برخی این پیامدها اشاره شده است. امام علی علیه السلام سوءظن را عامل گوشه‌گیر شدن شخص

۱. مهدی نراقی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، ج ۲، ص ۳۴۶.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۳.

۳. همان.

۴. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۳۵.

۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۵.

بدگمان دانسته و فرموده است: «مَنْ لَمْ يَحْسُنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ؛^۱ هر که خوش‌بین نباشد، از همگان گریزان باشد (با هیچ کس خو نگیرد)». آن حضرت در سخن حکیمانه‌ای، بدگمانی را موجب گسستن شدن رشته دوستی میان مردم می‌شود و بین مردم تفرقه می‌اندازد: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ لَمْ يَثْرُكْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلِيلِ صَلْحًا».^۲ از نظر معنوی نیز بدگمانی، آفت دین برشمره شده است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا إِيمَانَ مَعَ سُوءِ ظَنٍّ؛^۳ با سوء‌ظن، ایمانی وجود نخواهد داشت». همچنین آن حضرت فرموده است: «أَفَةُ الدِّينِ سُوءُ الظَّنِّ؛^۴ سوء‌ظن، آفت دینداری است». دستور به حسن‌ظن، مربوط به معاشرت میان برادران دینی است، اما در خصوص افراد لاابالی و اهل گناه، ارتباط با آنان نکوهش شده است و حسن‌ظن نسبت به این افراد مطرح نیست. طبق دستورات دینی در مسائلی که جنبه عمومی و یا حکومتی دارد مانند گزینش افراد^۵ و مقابله با دشمنان،^۶ خوش‌گمانی جایگاهی ندارد.

۴. حمل افعال بر صحت

یکی از بهترین راه‌های درمان این بیماری، حمل افعال دیگران بر صحت است که به آن «اصالة الصحة» می‌گویند؛ به این معنی که هر گاه انسان سخنی یا فعلی را از برادر مسلمان یا خواهر مسلمانش مشاهده کرد و احتمال فساد داد، باید آن احتمال را نادیده بگیرد و برای فعل‌شان، يك یا چند محمل نیکو قرار دهد. از نظر قرآن، مؤمنان باید نسبت به یکدیگر حسن‌ظن داشته باشند و بر همین اساس اصالت صحت و مانند آن را در رفتار و اعمال خود جاری کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِتْمٌ».^۷ از نظر قرآن حتی در مواردی که احتمال بدگمانی وجود دارد و شرایط و موقعیت به گونه‌ای است که انسان را دچار بدگمانی می‌کند، باید خوش‌گمانی را مقدم دارند و از بدگمانی پرهیز کنند؛ زیرا این رویه انسان را از گرفتار شدن به بدگمانی و آثار آن دور نگه می‌دارد و جامعه در امنیت روانی و روحی قرار می‌گیرد و از میزان

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۴.

۲. همان، ص ۲۵۴ و ۲۶۴.

۳. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۶.

۴. همان، ص ۱۸۲.

۵. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶. همان.

۷. حجرات: ۱۲.

تنش و درگیری و مانند آن کاسته می‌شود؛^۱ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «صَغَ أَمْرُ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يُغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا؛^۲ رفتار برادرت را به بهترین وجه آن تفسیر کن تا زمانی که کاری از او سرزند که راه توجیه را بر تو ببندد و هیچ‌گاه به سخنی که از دهان برادرت بیرون آید، تا وقتی برای آن توجیه خوبی می‌یابی؛ گمان بد مبر».

بنابراین از آنجا که آدمی از درون و قصد افراد مسلمان بی‌اطلاع است، آنچه را که با چشم خویش دیده یا مطلبی را با گوش خویش شنیده است یا به فرض از راه دلیل قطعی ثابت شده است؛ اگر کارش یا حرفش قابل تأویل و توجیه است، باید توجیه نیک و پسندیده‌ای برای آن ارائه دهد. در بسیاری از موارد انسان می‌تواند راه‌های حمل بر صحت را مورد بررسی قرار دهد و احتمالات صحیحی را که در مورد آن عمل یا سخن وجود دارد، در ذهن خود مجسم کند و به تدریج بر حالات بدگمانی خویش غلبه نماید. حمل افعال دیگران بر صحت، می‌تواند در عرصه اجتماعی و خانوادگی موجب شادابی و استحکام خانواده و جامعه شود؛ چنانکه مردی در دادگاه گفته است:

یک ماه پیش از یک مهمانی به خانه باز می‌گشتم، یکی از همکارانم را که همراه همسرش به آن مهمانی آمده بود؛ با اتومبیل به منزل‌شان رساندم. صبح روز بعد همسر من خواست که او را به خانه مادرش ببرم. پذیرفتم و به اتفاق سوار اتومبیل شدیم. در راه همسرم به صندلی عقب نگاه کرد و در حالی که یک سنجاق سر را به من نشان می‌داد، پرسید: «این سنجاق متعلق به کدام زن است؟». من که از ترس یادم رفته بود چه کسی سوار اتومبیل شده است، نتوانستم توضیحی بدهم. او را به خانه مادرش رساندم و شب که برای آوردنش رفتم، برایم پیغام فرستاد که دیگر حاضر نیست به خانه باز گردد. وقتی علت را پرسیدم، از پشت در گفت: «بهتر است با همان زنی که سنجاق سرش در اتومبیل بود، زندگی کنی».^۳

۱. نور: ۱۱ و ۱۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. ابراهیم امینی، آیین همسررداری، ص ۱۶۶.

فهرست منابع

۱. امینی، ابراهیم، آیین همسرمداری، چاپ سوم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۳. _____، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۷. لیبی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحديث، ۱۴۱۸ ق.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۹. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق اسلامی، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. نراقی، مهدی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع اسعادات)، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی، [بی‌جا]: حکمت، ۱۳۷۹ ش.